

جای اداره کسان

سر دبیر میرزا علاء الدین کمانی

مکاتبات و مکاتبات

بعنوان زمین بابت

فومن . جنگل

را چهار فرط طبع و توزیع خواهد

کتاب مرقه هفت شباهی

کتابخانه

۱۳۳۵

تاریخ بوم در شنبه یازدهم مهرماه ۱۳۳۵

تخصیص اجرت لوازم و علات

خصوصی با دفتر اداره است

مکاتبات بدون مضامین

و عنوان پذیرفته نشود

در باره کار به از هر نمره در نوبت

قیمت اسرار

بکار

قران

این روزنامه فقط حکام بمان حقوق ایرانیان و متور افکار اسلامیان است

مدیر مسئول حسین کمانی

کله های سیاسی - زندگی ملتگی

در دنیا حرفه ای یافت شوند که آن در اولین روزهای که با آنها آشنا می شود با یک قدم سریع بسوی آن شایسته تو گوئی آن مشغله توپ بازی است و آدم کو در کتولش سهل است و با جدا به مشتری را بطرف خود میکشد ، بقدری این بازی مطبوع طماع می شود که در ماههای اولین احوال خالی است و تو سر نشین بی باره نرم ، نازک ، لطف ، ابد استقل کاری میانش گویانیت فاضله برای هموطنان عزیز که در این دو قرن اخیر هر که با سر پایه کله های سیاسی تجارت مزبور دست زد ابد او در خود نقص و احتیاجی ندید تنها انصافی که گاهی بخرج مید و کی تجربه را لیگانه حایل برق شبر خود میدانت تو بخیرین بسلامت محض ما شهباده و شیکه تا جو پیک در طاق خویش اندکی استراحت میکند به موجب بکده مسیح

تا تابی در کار خود نمی بیند و در پیش شمشیر می خانه بی ملک می مستقل است که در قید میکند بی بارک بی آب سی فراط می آب و گلاس که در شیل است که در برابر زکس شهلا می خود محبت می چند سیح قطع با بی شرط ، و دخل ای شروع دیگر است گران تا گران محیط منظرش را مملو ساخته فتهای کی بشکته نفسی و حسن خلق معتقد است یکی بزبری و درستی « نهنف الظلم از چه بگفت سوهانم ، آه راحت آه شهوت رانی چه پانچ و لنگش و نظره تشنگی دارایی که لا دیده سرمت و ندیده مشتاق تو است » کاشش مرحوم والد الاقل صد سال زودتر ما را مباحث کاش صد سال پیشتر قدم باین مقام فیع میگذاشتیم کاش صد سال که صد سال دیرتر از اینجا بروم اگر رفتن حسی است که میگویی راه پر خطیبت ؟ راجعت این

وامان که میگوید کار ملکیت با کایت سهل و آسان کنانی در همین وطن بلاکش نماند هنوز
 وزارت نرسیده چند وزیر میراثند لا موش لوبخ
 نیرفت جاره و بر ابرام بدشست « هر که میاید باید
 و هر که میرود برو و حاجب و در بانی میت سابق
 بر این جبهه لوله کاغذ و فلکان بود حالانکه و کل
 است و یک دست لباس سیاه فرنگی
 بت آنت یکی لاش است بر سر این کار شهر
 نوی و سبک قدیم ظاهر سازی کرده (یعنی
 فقط در چند صباح آقامت طهران) یکی داشت
 و هیچ از دامن فرنگی قدم وزارت نمی بند اینها هم
 که اشکال تراشی برای کار هم نمیشود
 البته همه شیده اند لا درستان یک شب است
 و بازی بکدت « یکوقت برای یک تل بلنم
 پیش میاید که کار وزارتس بالا بگیرد و شدت
 میخواهد از وزارت بر نیابت سلطنت هم میرسد
 و فلسفه نامیافند مثلاً میگوید « من نباید ماشین
 امضای یک اطاق بوم « یک روز خیلی نزدیک
 همان کس را که از ماشین امضا شدن اشاع
 داشت می بینی باز می چپا جانب است
 شکستل سینش قائم اردا چشم و تیز دیدن نا !!!
 کار که اینقدر میدانش وسیع و راه های طبعی
 برایش باز است آنکار را می شود مشکل شمرده سهل
 سر که که از آب شد تر باشد « افسوس که لا فید
 و دل آنکاریم یک جریمت یک ذره اقبال یک
 جزئی نیست کار
 اینها را بچه چپا و سرده مان بی سرو بی پا و صر
 پنجره که پنجاه از پنجه و پشت دست را از روی

دست تیز نمیدهند شهرت میدهند که در این
 چند سال اخیر ایرانیها موفق شده اند که حقوق
 وزیر را گویا مایه پانصد تومان معین کرده اند
 ای تو گشای و من هم باور کردم راه باین نزدیک
 نزد باین زیادوی نه آقای عزیز رشوه ها، خالصه ها،
 جریمه ها، حق التسکوت ها، حق الطوق ها، خونهها
 و چه مصالحه اہمیت حق امتیاز ها و غیره و غیره غیره
 که اگر در دست بیاطن کار نگاه کنیم ذخیره های
 پول طلا و بانکها، مواد صنعتی و مواد معدنی،
 کارخانه های نساجی اروپا بلکه مد اعلمای دولت
 از اردنخواه صرف متقدن آمریکا از این جنگ
 اروپا هم بگرددش نرسید
 چیزی که بت یکی از چهارشنبه خوشحال است یکی
 قدری ناراضی و تفاوت صند در اینجا است
 آنچه منافع اروپ و سرمایه داران اروپایی
 چنانکه میگویند بر نور طبیعت کار سرمایه
 تحصیل فریاد میشود و اشغال این مندر هم هیچ
 سرمایه هیچ کار لازم ندارد و یا بخت با طالع
 فی الحقیقه بعضی از زنه راضی منیم تا از نو چهار ماه
 در میان گل عوطه میخورند و مردنایشان سانه
 های تو را بر زیر بار مشقت و محنت میدهند یعنی
 از مردم این را با چکش نرم میخواهند بکنند
 یکی فریاد میزند یکی میدود یکی میدوزد یکی میرود
 یکی بنویسد یکی نقاشی میکند و دیگری تجاری
 مشغولت القصد حاصل تمام زحمات کنال
 این نمره مردم که با پهلوان زندگی در کش و
 فرسند پس اندازش بد کهنه ما است
 چرا؟ زیرا که ما که نیاسی داریم و تجارت پلنگ شویم

بیت عدن اگر خواهی بیابا با بیخانه چندی با ما
 باید بود تا خوب بخوری خوب بخوابی خوب بپوشی
 خوب بنوشی خوب بروی خوب تر بیانی اگر هست
 سالخورده است و خزان خرد و سال حتی پسران
 نونمال نه ده نه صد هزاره بی . بابا باید بود
 که بیسج محکم حق محاکمات نداشته و مرده بخوابد
 کبکی بابا باید بود که ظفیف کارل بازگس را بیخانه
 معمول داری از غاشبه و گوشه کنار ای وطن
 مواضع میکنیم (تا سر حدی در عالم نباشد) و محس
 حق تو گفتم با نذر د بابا باید بود که گامی دوست
 صدیق این و گامی چاکر شفیق آن قیم شری
 هستیم بابا باید بود که سواد فارسی و عربی
 صحیح زبان بیسج سواد صحیح کمال صحیح علم بیخ
 لازم نباشد حسن خدا داد ترا بهوده به برگ
 معطل کن مرچه را امضا کردم ملک ظنون
 طرف است سرچوبانی است مال حلال ما
 چه بیت طبعی یا عارضی است که سر سر ابراز
 زا گرفته؟ چه هم و غم است که در این محکمه
 عمویت پیدا کرده؟ چه تغییر و تبدیلی است
 که در گامه و زرامید مند؟ چه خونما است که
 در راه افتتاح دارالتواری کبری ریخته میشود؟
 یامرگ یا اسکناس باقی سرچوبت افشانت
 چه مدسه چه تحصیل چه دبانی چه شرافتی
 چه عیسی چه وجدانی چه استهاری چه قیدی
 و چه دلبستگی مند و شان یکصد سال پیش
 بهتر بود یا مند لآن مصر پنجاه سال پیش
 منظم تر بود یا مصر امروز ما بخوری بیت سال
 پیش بهتر است یا جمهوری حالیه کرده سال

پیش گو ارا تر بود باکره نازه تصفیه شده
 خیابان علاءالدوله .
 ایعجب من بیت سال قبل معمول تر بود
 یاد برده اتنه اینجه ضرر با بد لها بخشها .
 مالیات امیکه پروا ختم اعانه نانیکه دادیم
 مصارف دست بندی تو مان سلی مخارج
 عین عسرت با و سهانی با مگر توانسته
 چشم زخمی بعایدات اطلاق ما با هم پلان
 خود قابل بزند کدام سرمایه دار کدام با کمال
 کدام صاحب صفت توانسته است نعل
 توشن مارا در جولان به پند کیمال روسی حرف
 میزدیم یا شبیه قوی میا سو ختم ایک انگلیسی
 در دوات تو دین با و خواهم گرفت یا اشتها
 یامرگ .
 تمام زیاد های اسر حرام جراید تمام نطقی
 رفت انگیز چهار نفری سر و بی با تمام ناله های
 امالی گیلان و سکا بن با بجه ایران سرگر
 های مردم (کرم تو) نام دشناهای مردون
 (لعنوا) سان بانگ پیره زن است و گوس
 شتر زبورک خانه .
 برای باسج خانه عدل ایجاد نشده وجود مالز
 سرگونه مجازات این است با باد بهر سیرتی که درید
 با تو میل خود و نه چهار نفر مستحق بجانب او
 سپاریم ما مرگه اگر شتم سرای او و جرایم بی
 فاسده او است اگر صد سال کی از ما را بکشند تیرده
 و چندین ستون جراید آدم ذیب اندر دنیا برای توبه
 داری و سوگواری ما آماده و نه است زیرا
 نگه ما سیاسی است و زندگی ما پستی !!!

واریات اداری

آنچه ذیلاً بعرض قارئین گرام میرسانم سواد
مکتوبی است که آقای سپهسالار اعظم یکی از محارم خود
و ادو مشارالیه نیز بی درنگ برای اداره روزنامه جنگل
و نسا و فقط در مکتوب خود جملات چندمی نوشته است
و آقای سپهسالار این مکتوب طائفاً را بنقطه که مبداء
نوشته چنانکه چندمی قبل روزنامه روسکی اسلو
نوشت بعد از آن اقتضاح گو باریت پس بگوید
چنانکه مجر روسکی اسلو نوشته اند سپهسالار بختی که
من میدانم و او سواد این مکتوب را بمن واد من هم
نام روی نگرده برای شما میفرستم بدید در روزنامه
درج کنند ولی چون یک سواد بی پیش نیست و هیچ
مدکی شاکه در هر جریه جنگل همیشه برای اطمینان
خوفنا دیدار اگر لازم است در اینخصوص
بکنید اینک ما میگوئیم

یک سواد بی پیش نیست

سواد هر یک سپهسالار اعظم با در دست ۱۲ اوت و ادو تاریخ ۱۳

برج به ۵۳۴۴ شماره ۲۳۲۹

با نهایت توقیر و احترام از وصول مراسله شماست
دولتین فیمین روس و انگلیس مورخه ۱۹ ژوئیه
۱۹۱۶ راجع به پیش نهادیکه متضمن اصلاحات امور
قون و مالی دولت علیه است زحمت افزاگر دیده
با نهایت شرف و مسرت و اظهار امتنان قلبی از اینکه
دولت روس و دولتین فیمین با حسن وجه و نظر مسرت
تعمیری این اصلاحات را در نظر خود قرار داده
هولیا، دولت علیه را از اجرا این اصلاحات
که متضمن ترقی و تعالی این مملکت و بطاعت و درود
ایوان است کمک و مساعدت نمایند جواباً بتمنای

خواهر محترم اولیا، دولتین فیمین میرساند که ای
دولت علیه با نظر توجه به پیش نهادهای مذکوره که گریسته
نظر با وضاح کنونی افروخته قبول مینماید که متدرجاً و
نظامی بعد از مدت هفت هزار نفر در تحت تعلیم تربیت
عده کافی معلمان نظامی روس و انگلیس تحت امر
وزارت جنگ دولت علیه ایران مکمل گردیده
باشطام و استقرار امنیت عمومی بر درازند و ازین
ساعت اولیا، دولتین فیمین روس و انگلیس
در اغرام و استخدام معلمان و پرداخت مخارج لابنه
این تکلیفات که متضمن مساعدت مالی باین دو
است مراب و مسرت قلبی خود را اظهار میدارد
در این موقع خاطر نشان میکنم که تکلیف یک عده
نظامی با بودجه معادل با بی هفت هزار تومان بعد
قوانین نظامی فوق الذکر در مرکز تربیت و تکلیف
خواهد یافت و خواهی حاضر در مرکزی هم از هر قبیل
حائز و اردوی جدید برقرار و ناموفق که قوانین
نظامی تحت تعلیمات معلمان روس و انگلیس تکلیف
خواهد یافت باقی خواهد بود راجع با اصلاحات امور
مالیه دولت علیه ایران بوسید بط و توسعه
اختیارات کمیون مختلط مالیه مطابق سوادیکه
بضمیمه این مراسله ارسال فرموده بودید صحیح
است و دولت علیه قبول مینماید توضیحات عرض
میشود که این کمیون از این تاریخ به بعد خواهد
بود از اینک اولیا، دولتین فیمین مساعدت
و کمک مالی را بر پرداخت با بی مبلغ دولت
هزار تومان برای مصارف جاریه تصویب قبول
فرموده اند فتهای مسرت و خوشوقتی حاصل
گردیده و امید دارم است چنانکه مردم نوم زود

ایده در اجراء پرداخت مالیاتهای مستقیم و غیر مستقیم
 اتباع خارج کیسین بر زودی موفق گردد و از طرف
 سفارتین فحمتین هم در این باب مساعدتهای لازم بعمل
 آرد اولیاء دولت علیه ایران این بر ذرات
 مودت آمیز را که حاکی از نیات صادقانه و توجه
 قابل تقدیر اولیاء دولتین فحمتین در ترقی و تعالی
 این مملکت است با نظر خوشوقتی و صمیمی تلقی کرده
 امید دارند که از این بذل مساعدت و موافقت
 معنوی ساعی و جاهد بوده از کمک و مجاهدت
 در پیشرفت نیات حسن اولیاء این دولت صانع
 نمایند در فائده از ذکر این نکته ناگزیر است که
 با رعایت مقررات و این اساسی تکلیفات دولت
 ایران بر آن است و نظر بر ماده مقوده قانون اساسی
 این پیشنهاد با در موقع افتتاح مجلسین شورای ملی
 و سنای مقبول و تصدیق مجلسین خواهد رسید.

ولی الله اعلم یا محمد ولیمان سپهسالار اعظم (رضی الله عنه)

جنگل

با بیکر بیاتحر و تاسف سواد کتوب یک فاضل
 دین و دولت را عرضة انظار قارئین مینمائیم و چنانکه
 آزا بود بدان قارئین پاک فطرت و اگر ایستیم
 از مقام رئیس الوزره ای یک مملکت که در ملک
 اخیر بدولت ایران خود را سلطان فارسی یا
 این او هم معرفی کرده آیا یک چنین کتوب میثوم
 محوس سزاوار است! امید داریم شاه آله که
 باشد و بیچوت محمد ولیمان نصر السلطنه ملی
 اعظم با روح مساعد الملک قدرت کند که چنین
 عهده بدست هیچ دولتی داده و خود در پشت کوه
 قزوین بگذراند من غریب مشغول باشد.

ادبیات

نقده (اشرف الدین آگینی)

دست مزن چشم به بستم دوست
 راه مرو چشم دو پایم سگت
 حرف مزن چشم به بستم و بن
 نطق مکن قطع نمودم سخن
 بیج مضم این همه عنوان مکن
 خواہش مغبی انسان مکن
 لال شوم کور شوم کر شوم
 لیکت محال است که من شوم

چند روی همچو خزان ز بر بار
 سر زلفهای بشریت برار

بقیه از شماره پیش

اینک تحقیق مندرجات یک سمت فتم انشاء
 پنج میگویم مملکت چه در وحشی نودات و در اوصاف
 آفرینیک چه در آباد تر و معمور تر نقاط بر این پارس
 و لندن محتاج بیک حاکم مقدر و دروسای ادارا
 و در امر قانون جاری المملکت است حاکم یک
 و بند محکم مثل رشت نباید تا زالی بر قصد
 انظرف حاکم نباید بنیر از اجرت قانونی های بیخ
 بنگفت و دخل غیر مشروع برای شہوت رانی
 خویش تهیه کند.

در اینموضع روی سخن بجانب هموطنان فارسی
 رشت است که آن حکیم بزرگ و مودد و لاواخذ
 شرکت الاقرین و این پیشنهاد را تهدید با
 و دخل و تصرف های غیر مشروع چیست که با بگو
 وقت میکنیم اگر حکمران محل اعتماد دولت است
 و دولت محل اعتماد است چنانکه در این چند

تا اخیر مخصوصاً نیت مجریه یعنی کاپنه در زای عالی
 و جابت ملی تام دارند پس باید زمام مهام مملکت
 را کثوری و شگرمی کف اقتدار دولت سپرد و اولادنا
 مجاز از ازان ناحیه شطر بود و گریز یک تهنه نه
 و خریدن یک شیشه رنگ قرمز و قین یک اسم
 مجازات ، نجات ، و غیره و غیره از سرانجن
 پشغری هم بر میاید نباید کارنا از مجرای قانونی خارج
 شود بجان عدوی که در پانزده سال قبل خانها
 بود که در صبح در ب خانه باز شد و صاحب خانه
 دخل و تصرف در تمام امورات حکومتی و نظامی
 پلیکی و سیاسی میکرد و اسم مقدس نیت یعنی
 هد نام بود امر و می توان گفت نه در صبح در شها
 مجمع ای نیت آور است بعوض آنکه بنام وطن
 و شکل پارتی و حزب خدمت ایران میکنند شاید
 در بعضی موارد کار میکنند که صدر مت بروج
 مرحوم منصور خلد آشتیان حاجی نائب رضا و اشایی
 قدیم است

نه یا شبیه قومی می نفر جمع میشود و بنام یک
 حزب عالی و قومی با عدم اطلاع و بصیرت از مرام
 و مقصد کلی ، و حقوق عمومی ، اصول اقتصادی
 یا طرز اتفاق بدون تعیین طرز روش و نیت
 احترام اقتدار مملکت را لنگه کوب پاسی جهالت
 و نادانی کرده دل با هم خوش است که دولت
 مستبد را مشروطه کرده ایم .

جمهورستان

برافت و حس وطن پرستی سو کند با آزادی
 و برابری و برادری قسم اشتباه است اگر بکنند
 چند ذرع پارچه سفید باد غامی ریاست روحانی

خراب میکرد و راضی نباید شد که امروزه جنگل
 یا اغراض شخصی مکنند باید آموخت آنگاه کرد
 « اول اینده و نگی گفت . » ما با سر قوه که داریم یا
 بتوانیم داشته باشیم بر علیه جوانهای بیستیم که فقط
 و فقط بنیال منافع شخصی کنونی چند را بدنام
 میکنند چنانکه همیشه تا آخرین نفس هم منکر برانی
 خواهیم بود که ابد اینخواهند اطفالشان پادشاه
 آردت نهند

چنانکه در شماره پنج گفتیم در رفتار باید مشرق
 دیگران بودند بگفتار و تمام گسیلان و مضامین
 باید از امروز با یک روش ساده و نجات
 آسانی خاطر اولیای امور را از خود خوشنود داشته
 طوری خود را بصحت عمل بمقام نفع نیت در امر
 کند که اسباب افتخار و مباحث باشند و خاطر اولیای
 امور اطلاق از این رنگز آسوده باشد .

فکرانی که عنقریب از طرف حضرت وزارت
 داخله معین میشود میظور مالیه و عدلیه و نیت
 و بلدیة کاغذ بدستور تهران حرکت کنند باید
 خود را بد و نتخواهی و دین داری معرفی کنیم
 هر که در این نیت مقدس با ما همی کرد ما
 صیانه او را از دل و جان می پذیریم هر که
 نصایح مشفقانه ما را نتخواست بپذیرد ما تا جان
 داریم با او می قبولانیم و ثابت میکنیم که عزیز ما
 دو سال و مدتی است ظل پذیر است ما در مقابل سوا
 چنانکه تا امروز در آینه هم کار می میکنیم تا بیاری برادران
 صالح پیدا با عملنا تمام گسیلان و مضامین از هر نوع نفع
 متصوره که گاهی دشمنهای اسلام ایران مدعی مستند
 مبرزی باشد پابنده با و قانون و عدل (بعینه دلم)

طهران توسط حضرت اشرف قاسمی
مستوفی الممالک و امت شوکت مقام
منع هیئت وزرای عظام و امت عظمی
کوچیه نو بهار ایران

چون فدایان درین انقیاد و اطاعت از دولت
مقبوعه و ذات ملوکانه با عزم رایسج تقسیم قطعی نمودند
که سربالین راحت نهاده بایک نهضت و قیام
علی اصلاح امور ملکی و ترمیم خرابیهای گذشته را
بر طبق انتظار یک مملکت مشروطه از زمانه ایران
امور مملکت بخوابیم تا هر چه زودتر مشمول جریان
قانونی در وطن ما ایران مشاهده و موجبات سعادت
و فلاح فراهم باشد و در عرایض سابقه از زندگانی
نمایندگان صالح العلی قانونی اشاره شده و بدیهی است
ملکی مثل گسیلان با موقیقت قاضی که دارد در
صورت فقدان نمایندگان قانونی مورش عوام
دیده است علیهمذاستدعیات خود را مجدداً تقدیم
می دارند نمایندگان برای ادارات حکومتی و عدلیه
و مالیه که دارای حسن سابقه و بصیرت و طایف خود
بود و عوام فرمایند مخصوصاً مالیات ایضیفات و
غریب طوالش چندیت بجهت تاخیر افتاده بیک
نواب جز و حکومت مرکزی وصول نمایند و از اینکه
مسئولیت بدون حقوق اجازه تفسیح حق است
بدیهی است برای عدلیه و نواب جز و حکومت نیز
بوده و لو موقتی هم باشد تصویب خواهند نمود
اگر چه هیئت دولت جنوع با بوظایف خود آگاه
و ضمیرند لکن برای صیقل وقت استدعای فدایان
آنت هر چه زودتر در عرایض فوق بعین رعایت
نظر فرموده و برای شروع بانجابت و کلامی مجلس

مقدس هم که قلوب ایرانیان تشنه آن است و از
شده ت انظار و اشتیاق دقیقه شماری بنماید حتی
فرمایند همچنانکه فدایان در اطاعت او امر مرکزی
بسیچ وجه خود داری ندارند بعین است اسفند
حاجات مشروع آنها شرح فوق هم از طرف
اولیای امور باید بعمل آید که کلکم رایج و کلکم سیوا
عن رعیت

خاتمه کار طالش

آقایانی که اسامی آنها در شماره پنج ذکر شده
و از طوالش بهر اه آقای امیر مقدر و آقای رشید
الممالک بگما آمده بودند پس از شش روز توقف
و تکمیل اساس اتحاد و رفع خشکی معاودت نهایی
که اقامت داشتند نمودند اینک بانجابت
اطمینان و اعتماد بقول شرانتمندانه آنها مشغول
که رفتار آینده آنها کاملاً با قوانین جاریه مملکت
موافق باشد و مشاهده اطاعت بانجام طوالش
با و امر مطاعه دولت داشته باشند مقصود از انعام
خدا کار بیانت است که تمام گسیلان از دل و جان مطیع
و منقاد او امر واجب الاطاعه دولت باشند
و گسیلان اولین نقطه باشد که در صحت عمل
در ستگاری سر مشق سایر امالات و ولایات
باشد ما امید داریم هیئت دولت هر چه زودتر
یک حکمران صدیق بی طمع در ستکار گسیلان
و ستاده و بطوریکه معمول است فوراً تائب
الحکومه به نام نقاطی کسبیت است بفرستند که مردان
در کمال آسایش بدعای بقای ذات ملوکانه
اشتغال داشته باشند

چند لغت از فرهنگ

مهرشم عیار کسی را گویند یک پیش در باغ
فردوس طهران و پای دیگر در دات قزوین باشد
پلی فی سنین کیرا گویند هم نوره بشد هم دم
همینا بد هم

انحن کیرا گویند که در نیت باران که چند
روز است در کمال شدت دوام دارد بهانه
تصفیه امور آب در کتابین شاخ آن شاخ برود
و این پا آن پاکند

اندک رنج کیرا گویند که بواسطه یک کاغذ
پولی قاب و سما (بقول بغیری در لندن العده
علی آزادی) از مثل سپه حالاری لشکر عمومی تجار
من برآمد

دورانیش کیرا گویند که بعد از تصفیه اقباضات
دنیاه و تصاحب ربع مسکون بفرآزادی ملل
در قیامت باشد

بیهود و گو در پیشگاه الکل معدیه سپار اعظم
و افیون دماغ سپه دار اعظم تمام جواید ابراز
گویند خاصه نوچشمی ^{۱۳۳۵}
شیرین کار کیرا گویند که دسی را که در دیگر
فرد و در مرقی بلیتد

دم سکه کیرا گویند و قهیکه از همه اثر کهای محلی
تا بوس شد تمام اعوان و انصار او بناگاه بسته
گردند یا اطلاق شده و راه های فرار اگیلان
بنقاط معوره عالم و قمارخانه های و انس مه و شد
به تهران و از آنجا یکی از نقاط شمیران رفت آب
فک بخورد و فرود برند
بایسولیانی کیرا گویند که در کس و در ۲۲ ساعت

بانه روز چهل و هشت ساعت بخوابد و در پنج دقیقه
بوم و بقیضه شکایت از بی خوابی بکند و برای
آنکه ضمناً ابراز مسله ماشی هم کرده باشد (بر نمود)

بطلبید
مالت انحر ملا محمد باقر لقب شریعت رشی مقیم
طهران را گویند

دنیامی بی اعتبار سال ۱۳۳۵ را گویند
چرخ کجدار غنچه سین حضرت اجل آقای معین الملک
سرگردان کیرا گویند که برغ محله شمیران تهران
قناعت کرده در فکر راه دورتری باشد

برهنه خوشحال کیرا گویند که از خبر پیاده شد و خارج
فوق العاده علیق بالهانی که در ششماه اخیر فراموش شده بود گامی باغش را
آزوده نگاه و مقابل شت او حریف نه زد و لیرانه باز نموده و
با بنم گفتا کرده و بر حایه با آنکه در قضای خیلی نزدیک و مجاورت
باشد فریاد برزند

تاجر ملت سکی روزانه فروش اینز گویند ابن اوفت
اعلان

چون بعضی از دوستان و بیگان برای ملاقات و پار و ملاقات
بطرف کسما که محل اقامت فعلی ما است می آیند اولاً محتاج
ایاب و زباب بکینوع تجلی با قایان محترم است تا نیانه می
دهین راه بجای چندی معطل شوند و این خود ایاب
رحمت برای دوستان و خلعت فدایان است بهر جهت
که در رشت هم ملک محترم آقای عتت لره خازا که قبول
رحمت فرموده است نمایندگی فدایان را قبول کرده اند
ملاقات کرده و در ایباب کب تکلیف کامل از ایشان
بر نمایند تا اغلب متحمل رحمت و خارج نده و در ضایل
ملاقات داشته باشند از روی دستور صحیحی باشد که ایاب
معطلین را در شماری فدیایان نشود او محفل کو یک جنگلی